

بازخوانی انتقادی نسبت عقل و وحی در اندیشه شیخ مفید بر اساس آثار کلامی وی

محسن انصاری بایگی^۱

جهانگیر مسعودی^۲

چکیده

بررسی آثار شیخ مفید نشان می‌دهد که تبیین نسبت میان عقل و وحی در اندیشه وی، به‌ویژه در مقام تعیین معیار نهایی فهم و ارزیابی ظواهر نقلی، با نوعی ناپایداری همراه است. مسئله اصلی این پژوهش، تحلیل دو گزاره به‌ظاهر متعارض در کلام شیخ مفید درباره نسبت عقل و وحی و ارزیابی امکان جمع میان آنهاست؛ به‌گونه‌ای که از یک‌سو عقل در فرایند تحصیل مرفت دینی محتاج وحی تلقی می‌شود و از سوی دیگر، در مقام تفسیر و ارزیابی ظواهر نقلی، به‌عنوان معیار نهایی معرفی می‌گردد. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیلی - تاریخی و با تمرکز بر مبانی معرفت‌شناختی شیخ مفید انجام شده و در این چارچوب، تحلیل‌های مختلف برای جمع میان دو گزاره از عبارات شیخ مفید مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تقریرهای پیشنهادی، با مبانی معرفت‌شناختی شیخ مفید سازگاری لازم را ندارند و از این‌رو، می‌توان از عدم انسجام در تبیین عقل‌گرایی وی سخن گفت.

کلیدواژه

معرفت‌شناسی عقل، شیخ مفید، عقل، عقل‌گرایی، رابطه عقل و وحی.

مقدمه

در تاریخ اندیشه اسلامی، اندیشمندان و عالمان دینی رویکردهای متفاوتی در قبال مسئله فهم دین و منابع معرفت دینی اتخاذ کرده‌اند. این تفاوت رویکردها، به‌ویژه در نحوه تبیین جایگاه عقل و نقل و تعیین نسبت میان آن دو، نمود آشکاری یافته است. در این میان، شیخ مفید در سنت کلامی امامیه و در فضای فکری مدرسه بغداد، از متکلمانی است که رویکردی عقل‌گرایانه در تبیین آموزه‌های دینی اتخاذ کرده است. پذیرش چنین رویکردی، مستلزم به‌رسمیت‌شناختن عقل به‌عنوان یکی از منابع معتبر معرفت و توجه به ظرفیت آن در فهم و ارزیابی گزاره‌های دینی است.

^۱ نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری، فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران؛ پژوهشگر حوزه علمیه

خراسان mohsen.ansari@alumni.um.ac.ir

^۲ استاد، فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران masoudi-g@um.ac.ir

با این حال، عقل‌گرایی شیخ مفید به معنای نادیده گرفتن یا به حاشیه راندن نقل نیست؛ بلکه نقل و وحی همچنان جایگاهی اساسی در نظام معرفت دینی وی دارند. از این رو، بررسی اندیشه شیخ مفید مستلزم توجه هم‌زمان به دو مؤلفه عقل و نقل و تحلیل نحوه تعامل و نسبت میان آنهاست. مسئله اساسی در این زمینه آن است که عقل و وحی در نظام معرفتی شیخ مفید چه جایگاهی دارند و رابطه میان این دو منبع معرفت چگونه تبیین می‌شود. پاسخ به این مسئله می‌تواند ابعاد مهمی از عقل‌گرایی کلامی شیخ مفید و مبانی معرفت‌شناختی دیدگاه وی درباره فهم دین را آشکار سازد.

با این حال عقل‌گرایی شیخ مفید در تبیین نسبت میان عقل و وحی، با چالش‌ها و ابهاماتی همراه است. از یک سو، وی عقل را در همه حالات، محتاج سمع دانسته و برای آن استقلال معرفتی تام قائل نیست. از سوی دیگر، در موارد تعارض میان دلیل عقلی قطعی و ظاهر دلیل سمعی، بر لزوم تأویل ظاهر سمع تأکید می‌کند، با این استدلال که داده‌های وحیانی نمی‌توانند با حکم قطعی عقل ناسازگار باشند. این دو گزاره، در نگاه نخست، نوعی تنش در دستگاه معرفت‌شناختی شیخ مفید را القا می‌کنند.

اهمیت این مسئله زمانی دوچندان می‌شود که نقش آن در فرایند معرفت دینی و در ارزیابی میزان و نحوه عقل‌گرایی شیخ مفید، به‌ویژه در مقایسه با عقل‌گرایی سید مرتضی، مورد توجه قرار گیرد. بررسی این نسبت، نه تنها در فهم دقیق‌تر مبانی کلامی مفید مؤثر است، بلکه می‌تواند به بازخوانی تحولات عقل‌گرایی امامیه در مکتب بغداد نیز یاری رساند.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر، تحلیل دو گزاره به‌ظاهر متعارض در کلام شیخ مفید درباره نسبت عقل و وحی و ارزیابی امکان جمع میان آنهاست. روش تحقیق در این نوشتار، تحلیلی-تاریخی است و نگارندگان با طرح تحلیل‌های مختلف برای جمع میان این دو گزاره، میزان سازگاری هر یک را با مبانی معرفت‌شناختی شیخ مفید مورد سنجش قرار داده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تحلیل‌های مذکور برای جمع میان این دو گزاره، با مبانی معرفت‌شناختی شیخ مفید سازگاری لازم را ندارند و در نتیجه، می‌توان از نوعی ابهام و عدم انسجام در تبیین عقل‌گرایی وی سخن گفت.

پیشینه تحقیق

نسبت عقل و وحی در اندیشه شیخ مفید از جمله موضوعاتی است که در پژوهش‌های مربوط به کلام امامیه مورد توجه قرار گرفته است. بخش مهمی از این مطالعات بر تبیین جایگاه عقل و میزان عقل‌گرایی شیخ مفید تمرکز دارند. از جمله، محسن کدیور در مقاله «مقام عقل در اندیشه شیخ مفید» به بررسی جایگاه عقل در منظومه فکری وی پرداخته و نقش عقل را در روش کلامی شیخ مفید برجسته کرده است. این پژوهش از مطالعات مهم در معرفی رویکرد عقلانی شیخ

مفید به شمار می‌آید، باین حال، مسئله نسبت میان حجیت عقل و وابستگی آن به سمع و وحی را به صورت یک مسئله مستقل و متعارض تحلیل نمی‌کند و به نقد و بررسی آن پرداخته نمی‌شود.

در پژوهشی با عنوان «جایگاه عقل در اندیشه کلامی شیخ مفید؛ با تأکید بر بررسی و نقد دیدگاه‌های موجود» نیز آرای مختلف درباره میزان عقل‌گرایی شیخ مفید بررسی شده است. اهمیت این پژوهش در آن است که برداشت‌های مختلف از جایگاه عقل در کلام شیخ مفید را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ باین حال، مسئله حاضر در پژوهش، یعنی بازخوانی انتقادی نسبت عقل و وحی در اندیشه شیخ مفید بر اساس آثار کلامی وی مرکز توجه پژوهشی قرار نگرفته است. از سوی دیگر، محمدعلی مهدوی‌راد و محمدعلی تجری در پژوهش «نقش عقل در نقد و فهم حدیث از دیدگاه شیخ مفید» به کارکرد عقل در نقد و فهم حدیث پرداخته‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که عقل در روش شیخ مفید صرفاً ابزار استدلال کلامی نیست، بلکه در ارزیابی و فهم نصوص حدیثی نیز نقش دارد. باین حال، تمرکز آن بر کارکرد عقل در مواجهه با حدیث است و مسئله بنیادی‌تر نسبت عقل و وحی، به‌ویژه در خصوص عبارات ظاهراً ناسازگار شیخ مفید، موضوع اصلی آن نیست.

دسته دیگری از پژوهش‌ها به مقایسه شیخ مفید با شیخ صدوق پرداخته‌اند. در پژوهش «عقل‌گرایی و نص‌گرایی در تشیع (با بررسی تطبیقی دیدگاه‌های شیخ صدوق و شیخ مفید)» تفاوت رویکرد این دو اندیشمند در استفاده از عقل و نقل مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در پژوهش «نقش عقل و نقل در معرفت دینی از منظر شیخ صدوق و شیخ مفید» نسبت عقل و نقل در اندیشه این دو متکلم مطالعه شده است. این آثار برای روشن کردن بستر تاریخی و فکری عقل‌گرایی شیخ مفید سودمندند، اما مسئله مورد نظر مقاله حاضر با آنها متفاوت است؛ زیرا موضوع اصلی این مقاله، مقایسه کلی عقل‌گرایی و نص‌گرایی یا تعیین میزان استفاده از عقل و نقل نیست، بلکه بررسی انتقادی نسبت عقل و وحی در دستگاه فکری شیخ مفید است.

در زمینه نسبت عقل و وحی نیز پژوهش‌هایی انجام شده است. همچنین پژوهش «ارتباط عقل و دین از منظر شیخ مفید و آیت‌الله جوادی آملی» به مقایسه دیدگاه شیخ مفید با یک متفکر معاصر در باب عقل و دین پرداخته است. این آثار از جهت طرح نسبت عقل و وحی یا عقل و دین با پژوهش حاضر قرابت بیشتری دارند؛ باین حال، مقاله حاضر از حیث صورت‌بندی مسئله با آنها تفاوت دارد و تلاش می‌کند مسئله نسبت عقل و وحی را از درون عبارات شیخ مفید مورد نقد و بررسی قرار دهد، نه اینکه صرفاً نسبت عقل و وحی را گزارش نماید.

بررسی مجموع این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ادبیات موجود عمدتاً یکی از سه رویکرد را دنبال کرده است: تبیین جایگاه عقل در اندیشه شیخ مفید، مقایسه عقل و نقل در اندیشه شیخ مفید و شیخ صدوق، و بررسی کلی رابطه عقل و وحی یا عقل و دین. با وجود این، تعارض ظاهری میان برخی تصریحات شیخ مفید درباره نیازمندی عقل به وحی و ارزیابی نقل بر اساس عقل و بررسی این تعارض با نظام معرفت‌شناختی شیخ مفید مورد بحث و بررسی واقع نشده است.

این مسئله از آنجا اهمیت بیشتری می‌یابد که در آثار شیخ مفید، از یک سو عقل در فهم، استدلال و داوری درباره معارف دینی جایگاهی اساسی پیدا می‌کند و حتی در مواجهه با برخی ظواهر نقلی، امکان تأویل بر اساس مقتضای عقل مطرح می‌شود؛ از سوی دیگر، در عباراتی دیگر بر نیازمندی عقل در علم و نتایج خود به سمع تأکید می‌شود. بدین ترتیب، پرسش اصلی این پژوهش نه صرفاً این است که شیخ مفید عقل گراست یا نقل‌گرا، بلکه این است که این دو دسته عبارت چگونه باید در یک نظریه منسجم درباره نسبت عقل و وحی در اندیشه وی تفسیر شوند؟ و آیا این عبارات واقعاً متعارض‌اند، یا ارائه وجوه جمع مختلف می‌توان میان آنها جمع کرد؟

بر این اساس، نوآوری پژوهش حاضر در آن است که با تمرکز بر عبارات ظاهراً ناسازگار وی، ساختار معرفت‌شناختی نسبت عقل و وحی را از درون آثار او مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

۱- تقابل عقل‌گرایی و نقل‌گرایی در اسلام و بستر شکل‌گیری تاریخی عقل‌گرایی

در طول تاریخ اندیشه اسلامی، متکلمان، فقیهان و محدثانی چون شیخ مفید، سید مرتضی، شهید اول، علامه حلی، کلینی و صدوق، برای احادیث اهمیت بسیاری قائل بودند و ارائه فهم صحیح از آنها را از دغدغه‌های اساسی خود می‌دانستند (دهقانی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۲۳۲). تفاوت در برداشت از روایات نیز به اختلاف مبانی و رویکردهای معرفتی بازمی‌گشت و سه رویکرد کلی نص‌گرایانه، عقلی و تأویلی را پدید آورد.

با شکل‌گیری دو گرایش نص‌گرایی و عقل‌گرایی در مکاتب قم و بغداد، دو شیوه متفاوت در مواجهه با روایات شکل گرفت. قم در قرن سوم و نیمه نخست قرن چهارم کانون حدیث و نص‌گرایی بود و کلینی و صدوق با تأکید بر تقدم نقل بر عقل، به تبیین معارف و پاسخ‌گویی به شبهات می‌پرداختند. (دهقانی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۲۳۵-۲۳۷)

در مقابل، عقل‌گرایی در بغداد گسترش یافت و عقل و استدلال عقلی در تبیین و دفاع از آموزه‌های دینی نقش برجسته‌تری پیدا کرد. شیخ مفید در این تحول نقشی اساسی داشت و با نقد برخی مبانی نص‌گرایانه، به تقویت روش استدلالی و اجتهادی در کلام امامیه کمک کرد. این جریان در قرن چهارم با حضور شیخ مفید، سید مرتضی و سپس شیخ طوسی توسعه یافت. (دهقانی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۲۳۷)

از شاخصه‌های این جریان، بهره‌گیری نظام‌مند از عقل در تبیین و دفاع از معارف دینی و ارائه برداشتی استدلالی و اجتهادی از متون بود. از این منظر، فعالیت‌های شیخ مفید را می‌توان از تلاش‌های مهم برای تثبیت روش عقلانی و بازتعریف جایگاه عقل در کلام امامیه دانست. (دهقانی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۲۳۷)

در واقع ظهور عقل‌گرایی در اندیشه امامیه فرایندی تدریجی و متأثر از تحولات علمی و فرهنگی جهان اسلام بود. مکتب کوفه، به‌عنوان نخستین خاستگاه جریان کلامی امامیه، عمدتاً بر نقل و حفظ میراث حدیثی اهل بیت علیهم‌السلام تکیه داشت؛ اما ضرورت پاسخ‌گویی به مسائل اعتقادی و منازعات کلامی، زمینه تقویت عقل در کنار نقل را فراهم کرد. این روند در مدرسه بغداد به اوج رسید و متکلمانی چون شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی، با بهره‌گیری از استدلال عقلی و تعامل با معتزله، به نظام‌مند شدن کلام امامی کمک کردند.

غیبت امام دوازدهم و عدم دسترسی مستقیم به امام نیز در شکل‌گیری این رویکرد مؤثر بود. پیش از غیبت، اصحاب ائمه علیهم‌السلام در مسائل اعتقادی به آنان مراجعه می‌کردند؛ اما پس از غیبت، رجوع به عالمان دینی و گسترش اندیشه‌ورزی مستقل، زمینه توسعه عقل‌گرایی را فراهم ساخت و در رویکرد گزینشی نسبت به برخی روایات اعتقادی متکلمان بغدادی بازتاب یافت. (مفید، ۱۴۱۳ ج، ص ۴۴-۴۵) از این رو، تفاوت مهم میان عصر حضور و غیبت را می‌توان در نحوه کار بست عقل و جایگاه امام در فرایند استدلال دانست؛ چنان‌که در عصر حضور، عقل تحت هدایت مستقیم امام قرار داشت، در حالی که در دوران غیبت، دامنه استدلال و استقلال فکری متکلمان گسترش یافت (مفید، ۱۴۱۳ ج، ص ۴۴-۴۵).

از پیامدهای این تحول، توجه بیشتر به اجماع و فاصله‌گیری تدریجی از حجیت خبر واحد بود؛ زیرا محدودیت دسترسی به امام، کاستی‌هایی در منابع معرفتی ایجاد کرد و امامیه کوشید با تقویت اجماع و عقل‌گرایی این محدودیت‌ها را جبران کند. همچنین غیبت و گسترش شبهات، متکلمان را به دفاع از اندیشه امامت و محدود کردن اختلافات با معتزله واداشت که در برخی حوزه‌های معرفتی به تقلیل و ساده‌سازی مباحث انجامید (حسینی‌زاده خضرآباد، ۱۳۹۱، ص ۱۵۱).

۲- معناشناسی عقل از منظر شیخ مفید

شیخ مفید بر این باور است که عقل، قوه‌ای است که به وسیله آن، انسان به شناخت امور استنباط‌شده دست می‌یابد و به این دلیل عقل نامیده می‌شود که مانع از انجام امور ناپسند می‌شود^۳ (مفید، ۱۴۱۳ الف، ص ۲۲).

^۳ العقل معنی یتمیز به من معرفة المستنبطات، ویسمی عقلاً، لانه یعقل عن المقبحات. (مفید، ۱۴۱۳ الف، ص ۲۲)

مقصود او از امور استنباطی همه اموری است که نه از طریق حواس قابل درک‌اند و نه از علوم ضروری به شمار می‌آیند، بلکه تنها از راه قیاس عقلی می‌توان به آن‌ها معرفت یافت. این تبیین از عقل با معنای لغوی آن نیز سازگار است. از نگاه وی، معرفت دینی موجب دوری انسان از بدی‌ها می‌شود.

شیخ مفید و ابوالفتح کراجکی در این زمینه با متکلمان کوفی همچون هشام بن حکم هم‌عقیده‌اند. بر اساس دیدگاه کراجکی که از شاگردان برجسته شیخ مفید است، عقل عرضی است که در انسان حلول می‌کند و توانایی تشخیص خیر و شر را به او می‌بخشد (کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۱۸).

شیخ مفید به وجود استقلالی عقل یا خلقت نورانی و وجود کیهانی عقل اشاره نمی‌کند؛ هم‌چنین شاگرد وی، کراجکی نیز در روایاتی که دلالت بر وجود استقلالی عقل می‌کند، تصرف می‌کند و آنها را تأویل می‌کند و بیشتر تعابیر آنها را مجازی می‌داند (کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۶-۵۷).

دیدگاه این دو در مقابل متکلمان معتزلی بود که آنها عقل را از مقوله معنا نمی‌دانستند. طبق دیدگاه معتزلیان، عقل، برخی از علوم ضروری و بدیهی است؛ کسی که به علوم ضروری آگاه باشد، بدون شک عاقل است؛ به بیان دیگر آگاهی به علوم ضروری، نوعی ادراک است که بدون ابزار عقل، امکان‌پذیر نمی‌باشد. (اشعری، ریتز، ۱۴۰۰ق، ص ۴۸۰)

۳- معرفت‌شناسی عقل از منظر شیخ مفید

از جهت معرفت‌شناسی عقل، شیخ مفید میان نص‌گرایی شیخ صدوق و عقل‌گرایی اعتزالی بصری قرار می‌گیرد (مکدرموت، ۱۳۷۲، ص ۶). بر خلاف شیخ صدوق که وظیفه متکلم را در علم کلام رد کردن مخالفان از طریق کلام خدا و حدیث پیامبر می‌دانست، شیخ مفید از عقل برای نه تنها برای جدال و دفاع از آموزه‌های دینی بلکه برای فهم و نظریه پردازی نیز مورد بهره‌می‌برد، سید مرتضی به عنوان شاگرد شیخ مفید از این مرحله نیز عبور می‌کند، و بر این باور است که تنها عقل است که می‌تواند حقایق اساسی دین را تثبیت کند و عقل در همه مراحل، علم و تاجیش نیازمند وحی نیست (مکدرموت، ۱۳۷۲، ص ۱۰).

مقایسه دیدگاه‌های سید مرتضی و شیخ مفید نشان می‌دهد که سید مرتضی به معتزله بصره و شیخ مفید به معتزله بغداد نزدیک‌تر بوده‌اند. تفاوت اصلی این دو جریان را می‌توان در میزان عقل‌گرایی دانست؛ معتزله بغداد، با تعدیل عقل‌گرایی و توجه بیشتر به تعالیم و حیانی، به امامیه نزدیک‌تر شدند (مکدرموت، ۱۳۷۲، ص ۶) (سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۴۲۷، م ۳، ص ۳۹۵-۳۹۹).

پس از ذکر این مقدمه، عقل گرایی شیخ مفید در حوزه حجیت عقل، نقد حدیث، فهم حدیث مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

۳-۱ حجیت عقل

با جستجو در آثار کلامی شیخ مفید بدست می آید که گرچه شیخ مفید بحثی به صورت مستقل در خصوص حجیت عقل ارائه نداده است و گویا آن را امر روشنی می دانسته است. از این رو اعتبار عقل در نظر ایشان روشن است. شیخ مفید از عقل به عنوان وسیله ای برای شناخت حجیت قرآن و دلائل اخبار یاد می کند ولی از آن به عنوان منبع استنباط احکام یاد نمی کند. (مفید، ۱۴۱۳ ب، ص ۲۸)^۴ به این معنا که با توجه به تفسیر وی از عقل، دیدگاه وی در بحث رابطه عقل و وحی از همان منظر تبعیت می کند. از منظر وی، عقل در مقایسه با دیدگاه سید مرتضی، از محدودیت های بیشتری برخوردار است. به عنوان مثال شیخ مفید در مورد سوال دو فرشته از مردگان پس از خروجشان از دنیا، تنها راه علم به اینکه حیات به ایشان باز میگردد را عقل می داند و دلیل عقلی ایشان این است که تنها سخن گفتن با زنده ممکن است. گرچه روایتی هم در رابطه با زنده شدن مردگان هنگام سوال، وجود دارد که روایت تاکید کننده، مضمون عقل است ولی اگر روایت نبود، حکم عقل در مسئله کافی بود. همچنین ایشان در مواردی تنها به دلیل عقلی در مسئله اکتفاء میکند که همین مسئله نشان از اعتبار عقل است. همانطور که در اثبات جوهر بسیط تنها به ادله عقلی بسنده میکند و حجیت عقل را برای آن کافی میداند، علاوه بر اینکه در بحث انحصار خلود به کفار و عدم شمول آن برای اهل معرفت به دلیل عقل قطعی تمسک میکند. (مفید، ۱۴۱۳ ب، ص ۵۸-۵۹) اموری مثل اتحاد اقا نیم مسیحیان که قابل فهم عقلانی نمی باشد از منظر ایشان مردود است. (مفید، ۱۴۱۳ الف، ص ۴۵) علاوه بر اینکه ایشان شیعیانی را که در نظام فکری خود به عقل تمسک نمی کنند را متهم به مخلد در آتش بودن میکند. (مفید، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۱۳)

بنابراین پذیرش حجیت عقل، اثبات برخی مسائل تنها با ادله عقلی، موید بودن خبر برای دلیل عقلی، کفایت دلیل عقلی اگر روایتی در خصوص آن مسئله نباشد، دلیل بر این است که عقل از منظر شیخ مفید حجت است و وی به نوعی یک متکلم عقل گرا محسوب می شود.

^۴ أعلم أن أصول الأحكام الشرعية ثلاثة أشياء: كتاب الله سبحانه، وسنة نبيه صلى الله عليه وآله، وأقوال الأئمة الطاهرين من بعده صلوات الله عليهم وسلامه. والطرق الموصلة إلى علم المشروع. في هذه الأصول ثلاثة: أحدها: العقل، وهو السبيل إلى معرفة حجية القرآن ودلائل الأخبار. والثاني: اللسان، وهو السبيل إلى المعرفة بمعاني الكلام. وثالثها: الأخبار، وهي السبيل إلى إثبات أعيان الأصول من الكتاب والسنة، وأقوال الأئمة عليهم السلام. (مفید، ۱۴۱۳ ب، ص ۲۸)

۲-۳ نقش عقل در فهم حدیث

عقل در فهم متون دینی از جمله متون حدیثی و روایی نقش مهمی را ایفاء کرده است که مهمترین آن نقش استکشافی است. (مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۰۲) مقصود از این عنوان تاکید بر نقش عقل در فهم حدیث عمیق و گسترده احادیث و روایات و درک استلزامات است. بی گمان فهم سخنان معصومین و درک نکات و اهداف و آموزه های آن و پی بردن به رمزها و رازهای آن بدون بهره گیری از عقل ممکن نیست. (مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۱-۷۳)

از این رو است که شیخ مفید علاوه بر اینکه از سطحی نگری و عدم تعمق در روایات انتقاد میکند، از عقل نیز در فهم روایات و ادله و کشف لوازم و نتایج آن به صورت قابل توجهی بهره برده است. (مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۳)

به همین دلیل است که ایشان با جریان مذهبی به نام غلاة و اصحاب حدیث به مبارزه برخاست. مسلم است که طعن شیخ مفید به اصحاب حدیث و غلاة به جهت بی توجهی آنان به عقل بوده است. آنان برای استخراج مقصد اساسی حدیث به مطابقت یا عدم مطابقت آن با عقل نظری نمی افکندند. (مفید، ۱۴۱۳، ص ۸۸) به سبب اهتمام به نقش عقل، شیخ مفید رویکرد استادش ابن جنید اسکافی را در اعتماد به ظنون و قیاس مردود دانسته و آن را نمی پذیرد. (مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۱)

شیخ مفید به دلیل گرایش ظاهرگرایانه استادش، آرزو می کرد که ای کاش شیخ صدوق تنها به نقل احادیث بسنده می کرد و به بیان معانی آنها نمی پرداخت؛ زیرا او را فردی نمی دانست که در نقل و بررسی احادیث دقت عقلی لازم را به کار گیرد. (مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۲)

در واقع، شیخ مفید در کشف معنای مفردات، فهم جملات و همچنین در استنباط لوازم معنایی جملات، از یافته های عقلانی و استدلال های عقلی بهره جسته است. (مهدوی راد، و تجری، ۱۳۸۷، ص ۱۷۳) بر همین اساس، شیخ مفید با تکیه بر رویکرد عقل گرایانه، نقدهای متعددی به نقل گرایان، از جمله استادش شیخ صدوق، وارد ساخته است. نگارش کتاب تصحیح الاعتقادات نیز به همین دلیل است. (مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۰۲)

از این رو شیخ مفید نظام معرفتی با توجه به روند گسترش شبهات، عقل گرایانه است. البته مهم ترین شاخه عقل گرایی شیخ مفید این است که این عقل گرایی در کنار ارزش معرفتی به منبع وحی است.

۳-۳ نقش عقل در نقد حدیث

عقل در سنت اسلامی همواره یکی از ابزارهای بنیادین در فهم دین و ارزیابی متون دینی بوده است. در نقد حدیث نیز عقل، افزون بر همراهی با نقل، گاه به عنوان معیاری برای سنجش صحت و سقم روایات به کار رفته است. این کارکرد

را می‌توان در دو وجه ایجابی، یعنی تأیید و فهم عقلانی روایات، و سلبی، یعنی ردّ روایات ناسازگار با بدیهیات عقلی و اصول مسلم دینی، بررسی کرد.

۳-۳-۱ نقش ایجابی عقل (مبنای شیخ مفید در حجیت اخبار)

از منظر شیخ مفید، احادیث و روایات غیر یقینی، حتی اگر مفید ظن باشند، فاقد حجیت و اعتبارند و اعتماد و عمل به آن‌ها امری مذموم به شمار می‌آید. بر همین اساس، خبر واحد نیز از دیدگاه او معتبر نیست، مگر آنکه همراه با قرائن قطعی و علم آور باشد. یکی از مهم‌ترین این قرائن، مطابقت مضمون خبر واحد با حکم عقل است که می‌تواند آن را از مرتبه ظن خارج ساخته و به درجه قطع و یقین برساند.^۵ (مفید، ۱۴۱۳ ب، ص ۴۴) به عنوان مثال، احادیثی که استادش شیخ صدوق در وصف ملائکه و حاملان عرش به عنوان مستند نقل می‌کند، شیخ مفید آن‌ها را خبر واحد و فاقد حجیت دانسته و عمل بر اساس آن‌ها را جایز نمی‌داند. (مفید، ۱۴۱۳ و، ص ۷۸)

به‌طورکلی، شیخ مفید خبر واحد را در صورتی حجت می‌شمرد که همراه با قرائن قطعی باشد. وی اصل را بر عدم حجیت خبر واحد قرار می‌دهد. براین اساس، پذیرش یا عدم‌پذیرش اخبار واحد منوط به وجود قرینه قطعی است. (مفید، ۱۴۱۳ ب، ص ۴۴)

۳-۳-۲ نقش سلبی و انکاری عقل

مراد از نقش سلبی عقل آن است که اگر عقل روایتی را مخالف یافته‌های قطعی خود بباید، آن را انکار یا رد می‌کند. در این جایگاه، عقل معیاری برای رد روایت یا توقف در پذیرش آن به شمار می‌آید. از نظر شیخ مفید، همان‌گونه که مطابقت یک روایت با حکم عقل دلیل بر صحت و پذیرش آن است، مخالفت روایت با عقل نیز دلیل کافی برای رد یا دست‌کم توقف در پذیرش آن محسوب می‌شود. (مفید، ۱۴۱۳ و، ص ۱۴۸-۱۴۹)

بر همین اساس، شیخ مفید برخی برداشت‌ها از ظاهر روایات را مخالف حکم عقل دانسته و آن‌ها را مردود شمرده است. بر پایه این دیدگاه، هرگز تعارضی میان یافته‌های قطعی عقل و نقل وجود ندارد، بلکه نقل بر اساس ظاهر عقل قطعی تفسیر می‌شود.^۶ (مفید، ۱۴۱۳ و، ص ۱۴۹)

^۵ "اما خبر الواحد ای قاطع للعذر فهو الذی یقترن الیه دلیل یفضی بالناظر فیہ الی العلم بصحة مخبره و ربما کان الدلیل حجة من عقل"

^۶ ان وجدنا حدیثا یخالف احکام العقول طرحناه لقضیه العقول لفساده.

نمونه بارز این رویکرد را می‌توان در نقد شیخ مفید بر احادیثی دید که استادش، شیخ صدوق، درباره سهو النبی نقل کرده است. وی این احادیث را به دلیل مخالفت با ادله قطعی عقلی عصمت پیامبران و امامان، از سنخ خبر واحد ظنی دانسته و تکیه بر آن‌ها را تکیه بر ظن و نه علم می‌شمارد. (مفید، ۱۴۱۳هـ، ص ۲۲)

بر همین اساس، از نظر شیخ مفید اجتهاد عقلی در بررسی روایات امری صحیح و پذیرفته است. تصریح او بر این نکته که هرگاه حدیثی مخالف احکام عقل باشد باید کنار گذاشته شود، زیرا عقل به بطلان آن حکم می‌کند، نشان می‌دهد یکی از شاخصه‌های عقل‌گرایی در کلام وی، سنجش و فهم ادله بر پایه معیار عقل است. (مفید، ۱۴۱۳هـ، ص ۱۴۹)

۳-۴ محدودیت یافته‌های عقلی

اعتقاد شیخ مفید به یافته‌های قطعی عقل به معنای نامحدود بودن گزاره‌ها و دریافت‌های عقلی نیست. بررسی آثار او نشان می‌دهد که باوجود رویکرد عقل‌گرایانه و اهتمام ویژه به جایگاه عقل، وی ادراکات عقلی را محدود می‌داند. از نظر او، عقل توانایی اظهار نظر قطعی در همه مسائل را ندارد و همین محدودیت یکی از علل ضرورت بعثت پیامبران است. به بیان دیگر، هرچند عقل حجیت ذاتی دارد، به دلیل محدودیت‌های ادراکی خود نیازمند وحی است و بدون آن نمی‌تواند به طور کامل راهنمای انسان در همه عرصه‌ها باشد. (مفید، ۱۴۱۳هـ، ص ۴۴)

از نظر وی این محدودیت عقلی مختص حوزه فقه و احکام نمی‌شود و شامل حوزه علم کلام نیز می‌شود. (مفید، ۱۴۱۳هـ، ص ۸۳) با این حال، در همین حوزه، بسیاری از فروعات و مسائل وجود دارند که از قلمرو درک و شناخت عقل بیرون‌اند و عقل توانایی اظهار نظر قطعی درباره آن‌ها را ندارد؛ مسائلی مانند ویژگی‌های عالم برزخ، میزان، صراط و موارد مشابه که شناخت آن‌ها نیازمند توجه به سمع و وحی است. (مفید، ۱۴۱۳هـ، ص ۵۳-۵۴)

بنابراین، مجموع این شواهد نشان می‌دهد که شیخ مفید رویکردی عقل‌گرایانه دارد، با این تفاوت که عقل‌گرایی او به مواردی که عقل در آنها توان اظهار نظر داشته و از انحراف مصون بماند، منحصر است.

۴- تبیین جایگاه عقل در نظام معرفت‌شناختی شیخ مفید

برای فهم دقیق عقل‌گرایی شیخ مفید، بررسی آرای عقلی وی بدون توجه به ساختار معرفتی حاکم بر اندیشه او کافی نیست؛ بلکه باید جایگاه عقل، میزان کارآمدی آن و نسبت آن با وحی و سمع در این ساختار تبیین شود. بررسی مجموعه عبارات شیخ مفید نشان می‌دهد که عقل در منظومه معرفتی وی از جایگاهی اساسی برخوردار است و در فرایند فهم، استدلال و تبیین معارف دینی نقشی مهم ایفا می‌کند؛ با این حال، این جایگاه به معنای استقلال معرفتی مطلق عقل نیست.

در ساختار معرفتی شیخ مفید، عقل از توان ادراک و استدلال برخوردار است، اما در دستیابی به معرفت صحیح و بهره‌گیری درست از ظرفیت خود، از هدایت وحی و سمع بی‌نیاز نیست. ازاین‌رو، برای تبیین این ساختار معرفتی، باید مؤلفه‌هایی چون جایگاه عقل در نسبت با وحی، خاستگاه شکل‌گیری عقل‌گرایی شیخ مفید، منشأ وجوب نظر، قلمرو نیازمندی عقل به وحی، میزان استقلال عقل در تحصیل معرفت دینی و کارکرد آن در نظام معرفتی وی بررسی شود.

۴-۱ نسبت عقل با وحی

شیخ مفید بر نیازمندی عقل و نقل به یکدیگر و نیز بر تعامل و عدم انفکاک میان عقل و نقل به توضیحی که در ادامه خواهد آمد تأکید ویژه‌ای دارد.

۴-۱-۱ نیازمندی عقل به وحی

شیخ مفید از جمله متکلمان برجسته عقل‌گرای امامیه است که در عین توجه به جایگاه عقل، آن را در حوزه معرفت و نتایج علمی خود، نیازمند وحی می‌داند و مدعی اجماع است که عقل در علم و نتایج آن به نقل نیازمند است؛ زیرا وحی، عاقل را نسبت به کیفیت استدلال آگاه می‌سازد و به‌نوعی منبه عقل است؛ همچنین استدلال‌های عقلی با عنایت نقل تکمیل می‌شوند. عقل در آغاز پیدایش خود به نقل و رسول نیاز دارد. (مفید، ۱۴۱۳هـ ص ۴۴)

مراد وی از عقل، همان نیرویی است که توانایی تمییز نیک از بد و حق از باطل را دارد؛ (مفید، ۱۴۱۳هـ الف، ص ۲۲) اما این توانایی، به زعم او، به صورت مطلق و نامحدود نیست، بلکه در بسیاری از عرصه‌ها عقل بدون هدایت وحی توان صدور حکم قطعی را ندارد. بدین معنا که عقل بشری به تنهایی قادر نیست تمامی ابعاد خیر و شر یا مصالح و مفاسد را دریابد و در نتیجه، برای تکمیل و اصلاح داوری‌های خود، محتاج سمع است. (مفید، ۱۴۱۳هـ ص ۴۴) تأکید شیخ مفید بر این نکته تا آنجاست که وی ادعای اتفاق امامیه را بر نیاز عقل به سمع مطرح می‌سازد و این نیاز را به حوزه علم و نتایج عقلانی مقید می‌سازد. در واقع، عقل در نگاه وی نه ابزاری مستقل و کامل، بلکه قوه‌ای است که در کنار و مکمل وحی قرار دارد و تنها با اتکا به هدایت وحی می‌تواند از خطا و نقصان مصون بماند. بر این اساس، هرچند عقل توانایی‌هایی در کلیات دارد و می‌تواند تا حدودی راهگشا باشد، اما این توانایی به دلیل محدودیت ذاتی و محاط بودن در شرایط انسانی، برای نیل به نتایج قطعی و قابل اعتماد، نیازمند تکیه بر وحی و شریعت است.

در مقابل، سید مرتضی برای عقل در قلمرو اختصاصی خود استقلال بیشتری قائل است و معتقد است که عقل می‌تواند در حوزه معارف عقلی، بدون اتکای مستقیم به نقل، به ادراکات یقینی دست یابد. (سید مرتضی، ۱۴۱۱، ص ۱۲۲)

بر این اساس، برداشت سید مرتضی از نسبت عقل و وحی با جایگاهی که شیخ مفید برای عقل در ساختار معرفتی خود ترسیم می‌کند، یکسان نیست. (مفید، ۱۴۱۳ ب، ص ۲۱)

۴-۱-۲ احتیاج وحی به عقل

در مقابل شیخ مفید تصریح میکند که اگر روایتی مخالف مقتضای عقل باشد بایستی تاویل برده شود، عقل در تعارض با نقل قرار نمیگیرد. شیخ مفید بر احادیثی که استادش، شیخ صدوق، درباره سهو النبی نقل کرده را نقد می‌کند. وی این احادیث را به دلیل مخالفت با ادله قطعی عقلی عصمت پیامبران و امامان، از سنخ خبر واحد ظنی دانسته و تکیه بر آن‌ها را تکیه بر ظن می‌شمارد. از نظر او، تخصیص کتاب و سنت با دلیل عقلی امکان‌پذیر است. (مفید، ۱۴۱۳ ز، ص ۲۲) بر همین اساس، از نظر شیخ مفید اجتهاد عقلی در بررسی روایات امری صحیح و پذیرفته است. یکی از شاخصه‌های عقل‌گرایی در کلام وی، سنجش و فهم ادله بر پایه معیار عقل است. در این چارچوب، نقد و ارزیابی حدیث بر اساس احکام عقل را می‌توان نوعی از اجتهاد عقلی دانست. (مفید، ۱۴۱۳ و، ص ۱۴۹)

۴-۲ خاستگاه شکل‌گیری عقل‌گرایی شیخ مفید

عقل‌گرایی شیخ مفید را باید در بستر فکری و کلامی مدرسه بغداد و در پیوند با جریان معتزله بغداد تحلیل کرد؛ جریانی که به سبب تعامل نزدیک با امامیه، در نسبت میان عقل و وحی رویکردی متفاوت با معتزله بصره داشت. این زمینه فکری را می‌توان یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری تلقی خاص شیخ مفید از جایگاه عقل و نسبت آن با وحی دانست. در مقابل، عقل‌گرایی سید مرتضی به مکتب معتزله بصره نزدیک‌تر دانسته شده است؛ (نیشابوری معتزلی، ۱۹۷۹، ص ۹) مکتبی که برای عقل در قلمرو معارف اعتقادی استقلال بیشتری قائل بود. (رضایی، ۱۳۹۶، ص ۲۵۵-۲۵۹)

۴-۳ منشأ وجوب نظر و تفکر

از دیگر مؤلفه‌های ساختار معرفتی شیخ مفید، نحوه تبیین منشأ وجوب نظر و تفکر است. بر اساس دیدگاه وی، وحی در تنبیه و ارشاد عقل و سوق دادن آن به سوی نظر و استدلال نقش دارد؛ از این رو، سمع می‌تواند انسان را نسبت به ضرورت تفکر و استدلال متوجه سازد. (رضایی، ۱۳۹۶، ص ۲۶۷) بنابراین، عقل با تنبیه و ارشاد وحی به مسیر تفکر هدایت می‌شود.

در مقابل، سید مرتضی وجوب نظر را حکمی عقلی می‌داند و معتقد است که عقل، پیش از هرگونه خطاب شرعی، می‌تواند انسان را به تفکر و استدلال ملزم کند. (سید مرتضی، ۱۴۰۵، ج. ۱، ص. ۱۲۸) ازاین‌رو، در ساختار معرفتی شیخ مفید، وحی در برانگیختن و جهت‌دهی عقل به سوی نظر جایگاه ویژه ای دارد.

۴-۴ قلمرو نیازمندی عقل به وحی

تعیین قلمرو نیازمندی عقل به وحی، از مهم‌ترین مسائل در تبیین ساختار معرفتی شیخ مفید است. تبیین کراچکی از عبارت شیخ مفید نشان می‌دهد که این نیازمندی به سمعیات اختصاص ندارد، بلکه عقلیات را نیز دربرمی‌گیرد. بر این اساس، هرچند عقل در قلمرو عقلیات توان ادراک و استدلال دارد، در کیفیت استدلال و دستیابی به نتیجه صحیح نیز به هدایت پیامبران و ائمه علیهم‌السلام نیازمند است. (کراچکی، ۱۴۱۰، ج. ۱، ص. ۲۴۲) بنابراین، نیاز عقل به وحی در اندیشه شیخ مفید را نمی‌توان صرفاً به حوزه سمع محدود کرد.

در مقابل، سید مرتضی چنین وابستگی گسترده‌ای را برای عقل نمی‌پذیرد و در حوزه معارف عقلی، برای عقل استقلال بیشتری نسبت به وحی قائل است. (سید مرتضی، ۱۴۰۵، ج. ۱، ص. ۱۲۸)^۷ ازاین‌رو، بررسی قلمرو نیازمندی عقل به وحی نشان می‌دهد که ساختار معرفتی شیخ مفید را نمی‌توان با قرائتی از عقل تفسیر کرد که در حوزه عقلیات، خود را از هدایت وحیانی بی‌نیاز می‌داند.

۴-۵ میزان استقلال عقل در تولید معرفت دینی

عقل در ساختار معرفتی شیخ مفید از اعتبار و قدرت استدلالی برخوردار است، اما از استقلال معرفتی کامل در تولید معرفت دینی برخوردار نیست. حتی در قلمرو عقلیات، دستیابی به معرفت صحیح در گرو هدایت وحیانی است. (رضایی، ۱۳۹۶، ص. ۲۶۷)

در مقابل، سید مرتضی برای عقل، به‌ویژه در شناخت خداوند و مبانی اعتقادی، نقشی تأسیسی و مستقل قائل است و آن را مسیر اصلی دستیابی به این دسته از معارف می‌داند. (سید مرتضی، ۱۴۰۵، ج. ۱، ص. ۱۲۷) همچنین، وی به سخنان استادش شیخ مفید بی‌توجه نیست و سعی می‌کند مدعی شیخ مفید و دیگر امامیه درباره نقش تنبیهی وحی نقد کند

^۷ بینا أنهم عولوا في ذلك على أن معرفة الإمام مبنية على النظر في الأدلة. فهو غير صحيح. (سید مرتضی، ۱۴۰۵، ج. ۱، ص. ۱۲۸)

واستدلال می‌کند که تا زمانی که اصل امامت به صورت عقلی اثبات نشده باشد، تنبیه امام امتیاز معرفتی مستقلاً نسبت به دیگران ایجاد نمی‌کند. (سید مرتضی، ۱۴۰۵، ج. ۱، ص ۱۲۸)^۸

در مجموع، مجموعه شواهد یادشده نشان می‌دهد که در ساختار معرفتی شیخ مفید، عقل جایگاهی اساسی، اما غیرمستقل دارد. این عقل توان ادراک، استدلال و تبیین دارد، اما برای دستیابی به معرفت صحیح و بهره‌گیری درست از ظرفیت خود، از هدایت وحیانی بی‌نیاز نیست. در مقابل شیخ مفید دیدگاه اندیشمندانی همچون سید مرتضی می‌باشد که برای عقل در قلمرو معارف عقلی استقلال بیشتری قائل است.

۵- عبارات شیخ مفید در خصوص رابطه عقل و وحی

با توجه به تفاوتی که در نظام معرفتی شیخ مفید و سید مرتضی ارائه شد، شیخ مفید از یک سو بر این باور است که عقل در علم و نتایجش به صورت کلی محتاج سمع و نقل است؛^۹ بدین معنا که عقل انسان، حتی در کشف معارف و استنتاج‌های نظری، به هدایت وحی و نقل پیامبر و ائمه نیاز دارد. این دیدگاه نشان‌دهنده‌ی اعتقاد مفید به محدودیت عقل بشری در فهم کامل حقیقت و درک جزئیات شریعت است. به عبارت دیگر، عقل به تنهایی قادر به کشف تمامی مسائل دینی و الهی نیست و بدون ارشاد وحیانی ناقص و مستعد خطاست. این موضع او در امتداد نگرش سنتی امامیه است که همواره بر لزوم رجوع عقل به سمع برای دستیابی به معرفت صحیح تأکید دارد. این دیدگاه در نظام معرفتی شیخ مفید نیز به جهت ارتباط وی با اساتید مختلف که رویکرد‌های متفاوتی داشتند از جمله استاد وی شیخ صدوق که به عنوان یکی از محدثین و نقل‌گرایان شناخته شده است قابل پیش‌بینی به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر، شیخ مفید بیان می‌کند که اگر سمع یا ظاهر نقلی بر خلاف یافته‌ها و مقتضای عقل دلالت کند، باید آن ظاهر تأویل شود و در صورتی که تأویل ممکن نباشد، باید انکار شود.^{۱۰} شیخ مفید در ظاهر دو موضع دارد که نوعی تعارض را نشان می‌دهد. از یک سو، او بر این باور است که عقل در فرایند شناخت و هدایت، به وحی و نقل نیازمند است؛ زیرا عقل به تنهایی توانایی کشف همه معارف دینی و راه سعادت را ندارد. در این سطح، نقل بر عقل تقدم می‌یابد، چرا که عقل بدون راهنمایی وحی ناقص و ناکافی است. اما از سوی دیگر، مفید تصریح می‌کند که اگر ظاهر نقلی با

^۸ ان الطريق إلى معرفة الله تعالى هو العقل، ولا يجوز أن يكون السمع، لان السمع لا يكون دليلاً على الشيء إلا بعد معرفة الله وحكمته، وأنه لا يفعل القبيح ولا يصدق الكذابين، فكيف يدل السمع على المعرفة. (سید مرتضی، ۱۴۰۵، ج. ۱، ص ۱۲۷)

^۹ اتفقت الإمامية على أن العقل محتاج في علمه و نتائجه إلى السمع وأنه غير منفك عن سمع بنه العاقل على كيفية الاستدلال وأنه لا بد في أول التكليف و ابتدائه في العالم من رسول و واقعهم في ذلك أحاب الحديث و أجمعت المعتزلة و الخوارج و الزيدية على خلاف ذلك و زعموا أن العقول تعمل بمجردها من السمع و التوقيف. (مفید و دیگران، ۱۴۱۳ هـ، ۴۴-۴۵)

^{۱۰} ان وجدنا حديثاً يخالف احكام العقول طرحناه لقضيه العقول لفساده. (مفید، ۱۴۱۳ هـ، ص ۱۴۹).

یافته‌های یقینی عقل در تعارض باشد، باید آن ظاهر بر اساس مقتضای عقل تأویل شود و در صورتی که تأویل آن ممکن نباشد، ظاهر نقلی پذیرفته نخواهد بود. در این سطح، عقل بر نقل مقدم می‌شود و معیار نهایی در تفسیر نصوص دینی، عقل است.

از کنار هم نهادن این دو عبارت، دو موضع متفاوت در قبال جایگاه عقل در اندیشه شیخ مفید به دست می‌آید. از یک سو، وی عقل را در دستیابی به علم و معرفت یقینی، مستقل از وحی نمی‌داند و برای تحقق معرفت، نوعی نیازمندی عقل به سمع قائل است. از سوی دیگر، در مقام ارزیابی و فهم ادله نقلی، عقل را معیار تشخیص صحت ظاهر نقل می‌شمارد؛ به گونه‌ای که در صورت تعارض ظاهر دلیل نقلی با حکم قطعی عقل، ظاهر نقل را قابل تأویل می‌داند. بدین ترتیب، در نگاه نخست، میان وابستگی عقل به وحی در مقام تحصیل معرفت و مرجعیت عقل در مقام فهم و ارزیابی نقل، نوعی دوگانگی ظاهری مشاهده می‌شود که نیازمند تبیین و جمع میان این دو موضع است.

۶- وجه ناسازگاری در کلمات شیخ مفید

با تبیین ساختار معرفتی شیخ مفید و تحلیل مجموعه عبارات وی، می‌توان دریافت که عقل در منظومه معرفتی او از جایگاه و کارکردی محدود برخوردار است و در فرایند فهم، استدلال و تبیین معارف دینی نقشی اساسی ایفا می‌کند؛ با این حال، این جایگاه به معنای استقلال معرفتی کامل عقل نیست و کارکرد آن در نسبت با وحی و نقل، در چارچوب خاصی تعریف می‌شود. این تلقی از جایگاه و کارکرد عقل، در مقایسه با دیدگاه سید مرتضی متفاوت است؛ زیرا سید مرتضی برای عقل در فرایند دستیابی به معرفت، استقلال بیشتری قائل است. از این رو، بررسی جایگاه عقل در اندیشه شیخ مفید و مقایسه اجمالی آن با دیدگاه سید مرتضی، به روشن شدن ساختار معرفتی خاص شیخ مفید کمک می‌کند.

بر این اساس، عبارت مشهور شیخ مفید مبنی بر اینکه «العقل محتاج فی علمه و نتائجه إلی السمع»، باید به گونه‌ای تفسیر شود که هم با سایر مبانی معرفت‌شناختی وی سازگار باشد و هم تفاوت او با سید مرتضی را تبیین کند. در غیر این صورت، هر یک از دو تفسیر افراطی و تفریطی این عبارت با اشکالاتی جدی روبه‌رو خواهد شد.

اگر این عبارت به صورت مطلق تفسیر شود و مقصود آن باشد که عقل در همه حوزه‌های معرفتی، حتی در براهین اختصاصی اثبات صانع و سایر مسائل بنیادین اعتقادی، فاقد هرگونه استقلال بوده و بدون هدایت وحی به هیچ ادراک یقینی دست نمی‌یابد، لازمه آن ناسازگاری با عبارت دیگر شیخ مفید است که در صورت تعارض ظاهر سمع با حکم قطعی عقل، ظاهر سمع را قابل تأویل می‌داند. زیرا بر اساس این تفسیر، همواره این احتمال وجود دارد که عقل در تشخیص خود دچار خطا شده باشد و از آنجا که عقل در همه حوزه‌ها به هدایت وحی نیازمند است، مقتضای این مبنا

آن خواهد بود که در ادراک عقلی تجدیدنظر شود، نه اینکه ظاهر دلیل نقلی تأویل گردد. ازاین‌رو، تفسیر مطلق از عبارت شیخ مفید، با مبنای پذیرفته‌شده وی در تقدیم حکم قطعی عقل بر ظاهر نقل سازگار نیست.

از سوی دیگر، اگر عبارت شیخ مفید به صورت مقید تفسیر شود و مقصود از نیاز عقل به سمع، صرفاً حوزه‌هایی خارج از ادراکات اختصاصی عقل - مانند تشخیص برخی صغریات یا اموری که عقل مستقلاً راهی به آنها ندارد - باشد و در مقابل، عقل در اثبات صانع و سایر معارف اعتقادی کاملاً مستقل تلقی شود، در این صورت تفاوت معرفت‌شناختی میان شیخ مفید و سید مرتضی از میان خواهد رفت. زیرا طبق این فرض هر دو متکلم در قلمرو معارف اعتقادی، استقلال عقل را پذیرفته‌اند و اختلاف آنان تنها به برخی فروعات یا نحوه بیان بازخواهد گشت، نه به مبانی روش‌شناختی. چنین نتیجه‌ای نیز با شواهد و تحلیل نظام معرفتی این دو اندیشمند سازگار نیست.

بنابراین، تفسیر عبارت شیخ مفید باید به گونه‌ای باشد که از یک سو، با اصل حجیت و کاشفیت عقل و امکان تأویل ظاهر نقل در صورت مخالفت با حکم قطعی عقل منافات نداشته باشد و از سوی دیگر، تفاوت معرفت‌شناختی وی با سید مرتضی را حفظ کند. بر این اساس، نیاز عقل به وحی در اندیشه شیخ مفید را باید ناظر به نقش هدایتی، تنبیهی و آموزشی وحی در فرآیند تعقل دانست، نه به معنای سلب توان ادراکی عقل و نه به معنای استقلال مطلق آن. عقل، با وجود برخورداری از قدرت ادراک و استدلال، به دلیل محدودیت و خطاپذیری، در تشخیص برخی مصادیق و فهم پاره‌ای از مسائل ممکن است دچار اشتباه شود. ازاین‌رو، وحی با هدایت و تنبیه عقل، کاستی‌های آن را آشکار و مسیر صحیح استدلال را برای آن روشن می‌سازد و در مواردی کیفیت استدلال صحیح را به عقل می‌آموزد. برای نمونه، عقل می‌تواند اصل قبح ظلم را درک کند، اما تشخیص دقیق حدود ظلم، تعیین مصادیق آن و تمیز برخی موارد مشتبّه، لزوماً در توان عقل مستقل نیست و نیازمند هدایت و تبیین شریعت است. بدین‌سان، نیاز عقل به وحی را باید در چارچوب هدایت و تصحیح فرآیند تعقل و تکمیل توان معرفتی آن فهم کرد، نه نفی اصل توان ادراک عقل.

۲- ارزیابی نظریه دیگر برای جمع میان عبارات شیخ مفید

با وجود اشکالاتی که بر تفسیر مطلق از نیازمندی عقل به سمع وارد شد، می‌توان تبیین دیگری را برای جمع میان عبارات شیخ مفید پیشنهاد کرد که با ساختار کلی نظام معرفت‌شناختی وی سازگارتر به نظر می‌رسد. بر اساس این تبیین، عبارت شیخ مفید مبنی بر اینکه «العقل محتاج فی علمه و نتائجہ إلى السمع» ناظر به فرآیند تولید معرفت دینی است، در حالی که سخن وی درباره تأویل سمع در صورت مخالفت با مقتضای عقل، ناظر به فرآیند فهم و تفسیر متن دینی است. بر این اساس، میان دو عبارت تنافی ضروری وجود نخواهد داشت؛ زیرا هر یک از آنها در مقام بیان کارکرد متفاوتی از عقل است.

مطابق این تقریر، شیخ مفید برای عقل استقلال معرفت‌شناختی مطلق در تولید معرفت دینی قائل نیست. عقل به‌تنهایی و مستقل از وحی نمی‌تواند منشأ کامل معرفت دینی باشد، بلکه برای ورود صحیح به فرآیند معرفت و دستیابی به نتایج معتبر، نیازمند هدایت و تنبیه وحیانی است. در این معنا، وحی در مقام تولید معرفت، نقش هدایتی دارد و عقل در پرتو این هدایت به استدلال و کشف نتایج معرفتی می‌پردازد.

در مقابل، هنگامی که سخن از فهم و تفسیر متن وحیانی به میان می‌آید، عقل می‌تواند در ارزیابی مفاد ظاهری نص و تعیین مراد واقعی متکلم نقش ایفا کند. بنابراین، اگر ظاهر یک گزاره نقلی با حکم یا مقتضای عقل ناسازگار باشد، می‌توان ظاهر آن را مورد تأویل قرار داد. بر اساس این تبیین، این سخن به معنای استقلال عقل در تولید اولیه معرفت دینی نیست، بلکه بیانگر نقش معیارین عقل در فرآیند فهم و تفسیر نص است.

در نتیجه، می‌توان دو سطح متفاوت را از یکدیگر تفکیک کرد: در سطح نخست، یعنی تولید معرفت دینی، عقل محتاج هدایت وحیانی است و از استقلال معرفت‌شناختی کامل برخوردار نیست؛ اما در سطح دوم، یعنی فهم و تفسیر متن وحیانی، عقل در ارزیابی ظواهر و کشف مراد متکلم دخالت می‌کند. بر این اساس، عبارت نخست شیخ مفید ناظر به نسبت عقل و وحی در مقام تولید معرفت، و عبارت دوم ناظر به نقش عقل در مقام فهم و تفسیر نقل خواهد بود. این تفکیک می‌تواند تعارض ظاهری میان دو عبارت را تا حد قابل توجهی برطرف کند. مطابق این رویکرد عقل و نقل در تعامل بایکدیگر خواهند بود. (مسعودی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۴-۱۹۰)^{۱۱}

بالین حال، این تبیین هرچند می‌تواند از شدت تعارض میان دو عبارت بکاهد، یک مسئله بنیادین را همچنان بی‌پاسخ باقی می‌گذارد. اگر در مقام تولید معرفت دینی، عقل فاقد استقلال معرفت‌شناختی باشد و حتی در حوزه اصول اعتقادی نیز برای دستیابی به معرفت یقینی نیازمند هدایت و داده‌های وحیانی باشد، مبنای عقل معتبر در مقام فهم و تأویل همان وحی چیست؟ به بیان دیگر، اگر عقل به‌تنهایی نمی‌تواند در قلمرو معرفت دینی به یقین دست یابد، چگونه می‌تواند در مرحله بعد، به‌عنوان معیاری معتبر برای ارزیابی و تأویل گزاره‌های وحیانی به کار گرفته شود؟

این پرسش به‌ویژه در جایی اهمیت می‌یابد که تأویل نص مبتنی بر یک حکم عقلی قطعی باشد؛ زیرا برای ترجیح حکم عقل بر ظاهر نقل، باید پیشاپیش اعتبار معرفتی آن حکم عقلی احراز شده باشد. اگر این حکم مستقل از وحی حاصل شده باشد، به نظر می‌رسد برای عقل نوعی استقلال معرفت‌شناختی در قلمرو معرفت دینی پذیرفته شده است؛ اما اگر

^{۱۱} چنین رویکردی به صورت کلی در پژوهش «گفتگوی توافقی یا دیالکتیک هرمونوتیکال میان عقل و دین دیدگاهی نو در نسبت میان عقل و دین» تبیین شده است.

حکم مزبور خود در پرتو هدایت و حیانی به دست آمده باشد، دیگر به سادگی نمی توان آن را معیار مستقلی برای ارزیابی همان وحی دانست.

از این رو، تفکیک میان «تولید معرفت» و «فهم متن» می تواند وجه جمعی قابل قبولی برای دو عبارت شیخ مفید فراهم کند، اما به تنهایی مسئله مبنای حجیت عقل در مقام تفسیر و تأویل نص را حل نمی کند. در واقع، این تبیین تعارض میان دو عبارت را از سطح نخست به سطحی عمیق تر منتقل می کند: مسئله دیگر این نیست که آیا عقل هم در تولید معرفت و هم در فهم متن نقش دارد یا خیر، بلکه پرسش اساسی این است که عقل غیر مستقل در تولید معرفت دینی، چگونه می تواند در مقام فهم وحی از حجیت و مرجعیت برخوردار شود؟

بر این اساس، نظریه مذکور را باید نه راه حل قطعی مسئله، بلکه تبیینی برای رفع تعارض ظاهری میان دو عبارت شیخ مفید دانست؛ تبیینی که اگرچه میان مقام تولید معرفت و مقام فهم متن تفکیک می کند، همچنان نیازمند توضیح مبنای معرفت شناختی حجیت عقل در مقام تأویل نص است. هم چنین برای این راهکار هیچگونه دلیلی معتبر و شاهی در کلمات شیخ مفید وجود ندارد؛ از این رو این نظریه در حد احتمال باقی می ماند و نمی تواند دلیل قوی بر این جمع باشد.

از این رو چنین وجه جمعی با تلقی شیخ مفید از نسبت عقل و وحی، بر اساس قرائت مطلق از عبارت وی مبنی بر اینکه «العقل محتاج فی علمه و نتایج الی السمع»، به آسانی قابل جمع نیست. شیخ مفید نقطه آغازین معرفت دینی را وحی می داند و برای عقل، استقلال معرفتی در تحصیل علم و نتایج آن قائل نیست. بر اساس این تلقی، عقل در فرآیند دستیابی به معرفت، در هر حوزه ای که نیازمند استدلال و تحصیل نتیجه است، از هدایت و تنبیه و حیانی بی نیاز نیست.

تبیین کراچکی از سخن شیخ مفید نیز این برداشت را تقویت می کند. بر اساس این تبیین، نیازمندی عقل به سمع صرفاً ناظر به آگاهی عقل از موضوعات یا تعلیم برخی مقدمات استدلالی نیست، بلکه به فرآیند تحصیل معرفت مربوط می شود؛ به گونه ای که عقل به تنهایی و مستقل از هدایت و حیانی، به معرفت یقینی دست نمی یابد. بنابراین، اگر این تفسیر از سخن شیخ مفید پذیرفته شود، عقل نمی تواند پیش از اتکا به وحی واجد یک دستگاه مستقل از معرفت یقینی باشد که سپس همان معرفت را معیار سنجش و تأویل ظواهر وحی قرار دهد. (کراچکی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص. ۲۴۲)

نتیجه گیری

بررسی آثار شیخ مفید و مقایسه آن با دیدگاه سید مرتضی نشان می دهد که مهم ترین تفاوت معرفت شناختی این دو متکلم در میزان استقلال معرفتی عقل است. هر دو برای عقل در فرایند شناخت و استدلال جایگاه مهمی قائل اند، اما در اندیشه

سید مرتضی، عقل از استقلال بیشتری در تحصیل معرفت برخوردار است؛ در حالی که شیخ مفید بر نیازمندی عقل به سمع در علم و نتایج آن تأکید می‌کند.

بر این اساس، جمع میان دو دسته از عبارات شیخ مفید – از یک سو، نیازمندی عقل به سمع و از سوی دیگر، تأویل نقل در صورت مخالفت با مقتضای عقل – با تکیه بر یک الگوی واحد از رابطه عقل و نقل، با دشواری مواجه است.

از این رو، ابهام موجود در برخی عبارات شیخ مفید را نمی‌توان به ضعف علمی یا فقدان انسجام فکری وی نسبت داد. این ابهام را باید در بستر تاریخی شکل‌گیری عقل‌گرایی امامیه در قرن چهارم و تلاش برای صورت‌بندی عقلانی آموزه‌های امامیه در مواجهه با گسترش شبهات اعتقادی و حضور جریان‌های عقل‌گرای رقیب تحلیل کرد. شیخ مفید را می‌توان از چهره‌های مهم مرحله تکوین عقل‌گرایی مستقل امامیه دانست؛ مرحله‌ای که در آن حدود استقلال و کارکرد معرفتی عقل هنوز به صورت کاملاً منقح صورت‌بندی نشده بود.

برآیند پژوهش آن است که عقل‌گرایی شیخ مفید را نمی‌توان صرفاً بر اساس الگوی عقل‌گرایی سید مرتضی تفسیر کرد. فهم دقیق جایگاه عقل در اندیشه شیخ مفید مستلزم توجه هم‌زمان به نقش استدلالی عقل و وابستگی آن به سمع است؛ از این رو، عقل‌گرایی وی را باید رویکردی متمایز دانست که در آن عقل، با وجود برخورداری از نقش اساسی در فهم و استدلال، از استقلال معرفتی مطلق برخوردار نیست.

کتابنامه

۱. اشعری، علی بن اسماعیل. (۱۴۰۰). مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین. ویسبادن: فرانکس اشتاینر.
۲. حسینی زاده خضرآباد، سید علی. (۱۳۹۱). مقایسه اندیشه‌های کلامی نوبختیان و سید مرتضی. نقد و نظر، ۱۷، ۱۶۴-۱۴۷.
۳. دهقانی، روح‌الله، اکرمی، ایوب، و کریمی، عبدالقاسم. (۱۴۰۲). گفتمان عقلگرایی و نص‌گرایی در قرن چهارم و نقش آن در تنوع فهم حدیث با تأکید بر روایات اعتقادی شیعه. مطالعات فهم حدیث، ۱۰، ۲۳۱-۲۵۰. 10.30479/mfh.2023.19181.2287.
۴. رضایی، محمدجعفر. (۱۳۹۶). معنا و منزلت عقل در کلام امامیه. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.
۵. سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۴۲۷). بحوث في الملل والنحل: دراسة موضوعية مقارنة للمذاهب الإسلامية. قم: مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام.
۶. سید مرتضی، علی بن حسین. (۱۴۰۵). رسائل الشریف المرتضی. قم: دار القرآن الکریم.
۷. سید مرتضی، علی بن حسین. (۱۴۱۱). الذخيرة في علم الکلام. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۸. سید مرتضی، علی بن حسین. (۱۴۱۳). الفصول المختارة من العیون والمحاسن. قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد.
۹. کراجکی، محمد بن علی. (۱۴۱۰). کنز الفوائد. قم: دار الذخائر.
۱۰. مکدرموت، مارتین. (۱۳۷۲). اندیشه‌های کلامی شیخ مفید. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۱. مهدوی‌راد، محمدعلی، و تجری، محمدعلی. (۱۳۸۷). نقش عقل در نقد و فهم حدیث از دیدگاه شیخ مفید. پژوهش‌های فلسفی - کلامی، ۱۰، ۱۶۵-۱۸۶. 10.22091/pfk.2008.232.
۱۲. مسعودی، جهانگیر. (۱۳۹۴). گفتگوی توافقی یا دیالکتیک هرمونوتیکال میان عقل و دین: دیدگاهی نو در نسبت میان عقل و دین. پژوهشنامه فلسفه دین، ۱۳، ۱۷۷-۱۹۸. 10.30497/pr.2016.1765.
۱۳. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ الف). النکت فی مقدمات الاصول فی علم الکلام. قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد.
۱۴. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ ب). التذكرة بأصول الفقه. قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد.
۱۵. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ ج). الحکایات فی مخالقات المعتزلة من العدلية والفرق بينهم و بین الشيعة الإمامية. قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد.
۱۶. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ د). المسائل السروية. قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد.
۱۷. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ هـ). أوائل المقالات. قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد.

١٨. مفيد، محمد بن محمد. (١٤١٣هـ). تصحيح اعتقادات الإمامية: اعتقادات. قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد.

١٩. مفيد، محمد بن محمد. (١٤١٣هـ). عدم سهو النبي صلى الله عليه وآله وسلم. قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد.

٢٠. مفيد، محمد بن محمد. (١٣٧٢هـ). الفصول المختارة من العيون والمحاسن. تصحيح على ميرشرفي. قم: مؤتمر الشيخ المفيد.

٢١. نيشابوري، ابوراشد سعيد بن محمد بن محمد. (١٩٧٩). المسائل في الخلاف بين البصريين والبغداديين. بيروت: معهد الإنماء العربي.

پیش از انتشار (ناویراسته)